

محاكمه صدام حسين: در كنترل کدام طرف؟

كورش زعيم

بر خلاف ميلوسويچ و نورنبرگ، محاكمه صدام حسين چندان ساده نيست و دادستان چندان چيره بر آن.

در آغاز، حدود پانصد كيفرخواست عليه او طرح شده بود كه براي آنها مدارك وشواهد مي شد فراهم كرد. شكايت ها سپس به ده فقره از شناخته شده ترين آنها، مانند قتل رهبران مذهبي، كشتار گروهی صدها نفر كه در سال 1977 عليه او شورش كردند، ترور مخالفان در كشورهای خارجي، جنگ عليه ايران، حمله به كويت، کاربرد سلاح شيميايي و غيره، کاهش يافت. بنا بر قانون جاري حاكم بر محاكمه، او را مي توان هزاران بار به اعدام محكوم كرد. ولي، اين چيزي نيست در حال روي دادن است.

نخست، بدليل مدت زماني كه طول مي كشد "مدارك دفاعي" آماده شود، صدام اكنون فقط براي يك مورد قتل عام 148 نفر در دجيل، شكنج و زنداني كردن حدود 4000 نفر از اهالي شهر در صحراي سماوات و نابودسازي باغهای آنها، به گناه قصد ترور او، محاكمه مي شود. اين جنايت شايد به نظر مخوف آيد، ولي از موفقيت های ملايم او بشمار مي آيد!

پس از ماهها آماده سازي، نخستين روز محاكمه به امور اداري تعيين روشها گذشت، صدام اظهار بيگناهي و ادعای عدم صلاحيت دادگاه را كرد. او ادعا دارد كه هيچ جنايتي را مرتكب نشده، زيرا اين قانون عراق بوده كه در آنجا اعمال شد و وي فقط حكم های مرگ را براي گناه اعدام عليه كشور بعنوان رييس كشور، كه هنوز هم هست، امضا کرده است! دومين جلسه دادگاه هم چيزي بجز تاخير بيشتري نبود، اينبار بيشتري عمدي تا اداري. با مشاهده اين محاكمه، بنظر مي رسد كه اراده چنداني براي محاكمه صدام حسين وجود ندارد.

پشتيباني امريكايان از جريان كند محاكمه مي تواند دو هدف داشته باشد. يكي اينكه آنها مي خواهند يك روند قانوني منصفانه و دموكراتيک را، آنگونه كه تحت قانون مدني انگليسي اعمال مي شود، به نمايش بگذارند و حاكميت انصاف و عدالت را بخشي از جذابيت دموكراسي غربي برنامه ريخته شده در عراق بنمايانند. مشكل اينجاست كه نظام قضايي سبك مصري- فرانسوي عراق، ميراث همورابي و ناپلئون، با نظام انگليسي همخواني ندارد. در اينجا، هيئت منصفه اي وجود ندارد و رييس هيئت پنجگانه قاضيان خود نقش بازپرس كل را هم بازی ميکند. در اين دادگاه قاضي ها از نشان دادن چهره شان مي ترسند، رييس هيئت قضات از بازپرسى مي ترسد، دادستانان از دادخواهي مي ترسند و مدافعان از دفاع كردن مي ترسند!

دليل دوم، اينست كه امريكايان نمي خواهند صدام براي جنايات جنگي عليه ايران محاكمه شود. او ممكن است بند لبش را باز كند و اسرار پشتيباني ها و كمكهای حياتي امريكا را به او عليه ايران در طی جنگ فاش نمايد. آشكارسازي اين اسرار افكار عمومي جهان را نسبت به سياست خارجي امريكا در مورد ايران سست و جمهوري اسلامي را در صحنه بين المللي جسور خواهد كرد.

امريكا در محضور گير کرده. هرگونه معامله با صدام براي حكم ملايمتر در برابر سكوت، تف سربالا خواهد بود. با توجه به مطبوعات كنجكاو امريكا و صدای بلند مخالفان در حزب دموكرات، اين اقدام تبديل به خودزني خواهد شد. بنا بر اين، تنها راه خروج از محضور طولاني كردن محاكمه است. بجای تفهيم اتهام براي همه جنايات ثبت شده در آغاز محاكمه، همانگونه كه در سيستم قضايي خود امريكا اعمال مي شود، اتهامات را يكي يكي مطرح و يكي يكي محاكمه مي کنند. اين شيوه، محاكمات را آنقدر طولاني، تكراري و خسته كننده خواهد كرد كه مردم راضي خواهند شد با همان حكم اولي از خير بقيه بگذرند تا بتوانند به زندگي خود بپردازند. يك چيز را امريكايان بنظر مي رسد كه درك نمي کنند، و آن اينست كه طولاني شدن اين محاكمات نه به سود امريكايان

است و نه به سود عراقی ها. من از همین تریبون، پیش از دستگیری صدام حسین و دوباره پس از دستگیری او، تاکید کردم که تا هنگامی که صدام حسین زنده است و در عراق، شورش و خونریزی ادامه خواهد داشت و آنهم با یک روند افزایشی. من باز تکرار می کنم که زنده نگهداشتن صدام یا نگهداشتن او در عراق، سبب اصلی خونریزی روزانه در عراق است.

بعثی های فدایی صدام که در زمان او همه چیز داشتند و اکنون هیچ چیز ندارند و حتا جرات ندارند چهره خود را از ترس دستگیری یا شناخته شدن و انتقامجویی مردم، نشان بدهند، هسته اصلی یاغیگری کنونی را تشکیل می دهند. آنها حتا از همکاری با تروریست های خارجی القاعده هم ترسی ندارند، زیرا بخوبی می دانند که اگر صدام حسین بقدرت بازگردد، حتا یک عامل القاعده در عراق را هم زنده نخواهد گذاشت.

وقتی صدام هنوز در پنهانگاه بود، از طریق یک نوار ضبط شده که از رسانه ها پخش شد، از هواداران خود خواست که به "جهاد و مقاومت" ادامه دهند. بعقب که نگاه می کنیم، به یاد می آوریم که پیش از حمله امریکا به عراق، صدام تهدید کرده بود که امریکاییان در عراق با یک "حمام خون" روبرو خواهند شد. سازمانهای اطلاعاتی امریکا باید توجه بیشتری می کردند. امریکا ماشین جنگی صدام را شکست داد، ولی آنرا از کار نینداخت. از زمان پخش پیام ضبط شده، سطح خونریزی در حال رو به افزایش بوده و هزاران نفر کشته شده اند. تاخیر در انجام محاکمات جان های بیشتری را خواهد گرفت و دشواری های بیشتری را برای دولت بوش بوجود آورد. به روشنی می توان مشاهده کرد که با گذشت زمان هر بار صدام حسین در برابر دوربین ظاهر می شود، اعتماد بنفس بیشتری را نمایان می سازد. اکنون اوست که بر جریان محاکمه چیرگی دارد نه سیستم قضایی عراق.

تا هنگامیکه پیروان صدام کوچکترین امید را به بازگشت او داشته باشند، خواهند جنگید. آنها آنقدر خواهند جنگید تا عراق را به جنگ داخلی بکشانند و نیروهای ائتلاف را وادار به ترک عراق کنند. پرسش اینست که آیا زندگی درنده ترین انسان تاریخ معاصر ارزش اینهمه درد و رنج و خونریزی را دارد؟ بعقیده من، امریکاییان یا باید بدون هیچ دخالتی اجازه دهند عراقیان بسبک خود محاکمه را انجام دهند، یا اینکه صدام را تحویل دادگاه کیفری بین المللی بدهند و بگذارند آنها به وظیفه خود عمل کنند.

(ترجمه سخنان کورش زعیم در میزگرد تلویزیونی 2005/12/1 و مقاله چاپ شده در ایران دیلی)